

نقش آموزه‌های شیعی (تعزیه و عزاداری) در نهضت مشروطیت

دکتر امیر تیمور رفیعی^۱

محسن آقاحسنی^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۹/۲۰

چکیده

نهضت مشروطیت، یکی از تحولات عمده‌ی اجتماعی - سیاسی در تاریخ ایران می‌باشد که در دوره‌ی قاجار و در محدوده‌ی سال‌های ۱۲۸۴-۱۲۹۰ هـ.ش به وقوع پیوست. این نهضت که توسط گروه‌های مختلف مردمی با ایدئولوژی‌ها و تفکرات متفاوت بروز کرد، نتیجه عوامل متعدد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، داخلی و خارجی بود. عواملی که در بین آنها نقش نیروهای اسلامی و خصوصاً علمای شیعی به عنوان رهبران دینی جامعه و به تبع آن فرهنگ و آموزه‌های شیعی در نظر پژوهشگران و کارشناسان مورد توجه قرار گرفته است. در میان فرهنگ‌های شیعی نیز تعزیه‌خوانی و عزاداری در رثای سید و سالار شهیدان در این دوره از طرف دولت و ملت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. نقش هنر نمایشی تعزیه که بیان مفهومی از تاریخ، اندیشه و فرهنگ اسلامی و شیعی است و تحت تأثیر فرهنگ و تمدن و گفتمان ایرانی شکل گرفته است، به عنوان رسانه‌ای شیعی در تحولات اجتماعی این دوره قابل بحث و بررسی می‌باشد. در این مقاله برآنیم تا با بررسی مدارک و اسناد تاریخی موجود، آنچه که از برگزاری مراسم تعزیه‌خوانی و عزاداری به عنوان بخشی از فرهنگ آموزه‌ی تشیع، در شکل‌گیری و جریان نهضت مشروطیت نقش داشته است را یافته و عرضه نماییم. باشد که مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: نهضت مشروطیت، آموزه‌های شیعی، تعزیه و عزاداری.

^۱ استادیار گروه تاریخ واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، ایران

^۲ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، محلات، ایران Moh_aghahasany@yahoo.com

مقدمه

در دورانی که حاکمان، عزاداری و تعزیه‌ی حضرت امام حسین(ع) را به منظور مشروعیت بخشیدن به حکومت خود بزرگ می‌شمردند و ارج می‌نهادند، جامعه نیز ظلم‌ستیزی و مبارزه با استبداد را فریاد می‌زد و جالب اینکه این فریاد از زبان تعزیه بر می‌خواست و در واقع تعزیه زبان گویای ظلم و ستم موجود در جامعه بود. در جامعه‌ای که حاکمان آن به هر دلیل از تشیع حمایت می‌کنند و تشیع آنها از مرز تظاهر فراتر نمی‌رود و مردم نیز برای رهایی از ظلم و ستمی که در جامعه عیان است، به این ظواهر سرگرم می‌شوند، بررسی نقش و تأثیر «تعزیه و عزاداری» که از آموزه‌های شیعی و تبلور خلاقیت مبارزاتی تشیع در برابر ظلم و ستم می‌باشد، در نهضت مشروطیت، دشواری‌های خاص خود را دارد. از طرفی ادعای تشیع از حاکمان و از طرف دیگر ادعای استبداد و ظلم و ستم بر مردم از سوی جامعه وجود دارد. عزاداری و به تبع آن هنر نمایشی تعزیه به عنوان نمادی از ظلم‌ستیزی و حق طلبی و عدالت‌خواهی سرشار از آموزه‌های شیعی است و بررسی نقش آن در نهضت مشروطیت هر چند به دلایل ذکر شده و کمبود پژوهش و تحقیق در این موضوع خاص دشوار به نظر می‌رسد، اما شدنی است و انکار نقش آن در تحول اجتماعی و نهضت مشروطیت منطقی به نظر نمی‌رسد.

نویسندگان، پژوهشگران و محققین داخلی و خارجی بسیاری به بررسی وقایع و اتفاقات نهضت مشروطیت پرداخته‌اند. از خاطرات ناظم‌الاسلام کرمانی، عبدالله مستوفی، میرزا علی خان امین‌الدوله و... تا کتب تخصصی کسروی، آدمیت، صفایی، ملک‌زاده، حائری، علوی، قائم مقامی، محیط مافی، زینو ویف، پاولوویچ، آفاری، فوران و... همه و همه، یکی یا مجموعه‌ای از شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موجود جامعه، عوامل متعدد داخلی و خارجی و یا گروه‌ها و توده‌های دخیل در نهضت مشروطیت و اندیشه و ایدئولوژی آنها را مورد نقد و بررسی و کارشناسی قرار داده‌اند. اما آنچه که کمتر بدان توجه شده است. نقش تشیع و آموزه‌های آن در روند این نهضت می‌باشد. هر چند که به نقش علمای شیعی در برخی از این منابع خوب توجه شده است، اما نباید این نکته را فراموش کنیم که علما جزو بازیگران اصلی نهضت بوده‌اند و انکار نقش علما امکان‌پذیر نبوده است. در کتاب تشیع و مشروطیت در ایران که توسط عبدالهادی حائری نگاشته شده نیز بیشتر به نقش علما و فعالیت‌های آنها اشاره شده و از فرهنگ و آموزه‌ی شیعی تنها به انواع حکومت بسنده شده است. عبدالله مستوفی در کتاب «شرح زندگانی من» البته توجه بیشتری به جزییات داشته و به برخی از آموزه‌های شیعی

مثل؛ عزاداری و نذری و... توجه داشته است، هر چند که به تأثیر آنها در جامعه و مردم اشاره نموده است، اما ارتباط آنها با نهضت مشروطیت را ذکر نکرده است. پژوهشگران و محققین تعزیه نیز به تکامل و شکوه و جلال تعزیه در دوره‌ی قاجار و مخصوصاً در حکومت ناصرالدین شاه توجه نموده‌اند. همایونی در کتاب؛ «تعزیه در ایران» به شرایط زندگی مردم در آن دوره و مهیا بودن زمینه رشد و تکامل تعزیه و زوال آن بعد از مشروطیت به دست اشراف اشاره کرده و شهیدی، بیضایی و بلوک باشی نیز ویژگی‌های مذهبی تعزیه و نقش آنها در تقویت ایمان و وحدت در جامعه را برشمرده‌اند. فلاح زاده نیز زمینه‌های سیاسی شکل‌گیری و روند تکاملی تعزیه را بررسی نموده است.

ذکر این نکته هم ضروری است که؛ هر چند که محور اصلی بحث، نقش هنر نمایشی تعزیه در نهضت مشروطه می‌باشد، اما موارد همسو با آن از قبیل روضه‌خوانی و عزاداری و سینه زنی که جزء لاینفک آن می‌باشند نیز مد نظر بوده و به همین جهت در این مقاله در بعضی موارد کلمه عزاداری نیز در کنار تعزیه آمده است.

بنابراین علی‌رغم دشواری‌های موجود با استفاده از همین منابع این تحقیق انجام شده است. و هدف از این کار نشان دادن پتانسیل بالای فرهنگی- هنری نمایش تعزیه می‌باشد. هنری که با توجه به محتوای پر بار آن و علاقه جوانان و نوجوانان این مرز و بوم به آن می‌تواند در برابر هجوم همه جانبه فرهنگی غرب و استکبار راهگشا باشد. باشد که در این مورد، مصداق شعر زیر نگردیم:

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد / آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد

این تحقیق در سه بخش مجزا انجام شده است. در بخش اول بیشتر از نگاه دینی و مذهبی، محتوای تعزیه و اثرات آن در جامعه آن روز مورد تأکید قرار گرفته است. در این بخش به این نکته اشاره می‌شود که ظاهر و باطن تعزیه، منبعی از اعتقادات و اصول و فروع تشیع می‌باشد. نظر پژوهشگران تعزیه در این زمینه را استخراج شده و با بررسی در منابع دوره‌ی قاجار، مصداق‌های آن روزگار و اثراتی که بر جامعه گذاشته بود را یافته و این دو با هم تطبیق داده شده است. در بخش دوم نگاهی اجتماعی به برگزاری این مراسم شده و فرصت‌های اجتماعی بوجود آمده به همان شیوه بخش اول مورد ارزیابی قرار گرفته است. در بخش سوم نیز نقش تعزیه از دیدگاه سیاسی، تجزیه و تحلیل شده است.

هر چند که بررسی این موضوع از دید مذهبی - اجتماعی و سیاسی بصورت جداگانه منطقی به نظر نمی‌رسد. اما به جهت سهولت جمع‌بندی مطالب این کار انجام شده است.

ابزار و روش

بخش عمده اطلاعات، به صورت کتابخانه‌ای و با مطالعه‌ی کتاب‌های تاریخی و مرتبط با موضوع به دست آمده است. که البته منابع دو موضوع نهضت مشروطیت و تعزیه به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است. بخشی از اطلاعات نیز از طریق مشاهدات، حضور در مجالس، مصاحبه و مشاهده فیلم و همچنین نرم‌افزارهای موجود و فضای مجازی به دست آمده است.

یافته‌های تحقیق

نقش تعزیه و عزاداری در نهضت مشروطیت از سه دیدگاه مذهبی، اجتماعی و سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

تأثیر تعزیه به عنوان منبعی غنی از آموزه‌های اسلامی و انسانی

روضه‌خوانی و گریه بر مصائب سید و سالار شهیدان امام حسین (ع) پس از وقایع غمبار کربلا و بعد نوحه‌خوانی و بالاخره سینه‌زنی و حرکت دسته‌های عزاداری و با گذشت زمان بعد نمایشی بخشیدن به آن و تکامل طبیعی و تدریجی آن که منجر به شکل‌گیری هنر نمایشی تعزیه یا شبیه‌خوانی شد، نماد دیگری از اندیشه و فرهنگ اسلامی و شیعی است که تحت تأثیر تمدن و گفتمان ایرانی شکل گرفته است. تعزیه هنری است برخاسته از دل مردم، ساده و بی‌آلایش، اما در محتوی، علاوه بر اصول و فروع دین، بسیاری از آموزه‌های اسلامی - شیعی از جمله: ولایت‌پذیری، توبه، وصیت، شهادت‌طلبی، حجاب، ادای حق الناس، یتیم‌نوازی، نماز جماعت، قصاص، نذر، نیایش، دعا، توسل و... را در لابه‌لای ابیات و اشعار آن می‌توان یافت، مفاهیمی گسترده، جهان شمول و فراتاریخی همچون: ظلم‌ستیزی و حق‌طلبی، عدالت‌خواهی، نبرد حق علیه باطل و انتظار برای پیروزی، که زمان و مکان نمی‌شناسد را در باطن پر محتوای خود جای داده است و شاید همین محتوای غنی اسلامی - انسانی است که منجر به جذابیت آن شده است به نحوی که گردشگران خارجی را نیز به عکس‌العمل واداشته است؛ کنت دوگوبینو به هیجانی که از دیدن تعزیه به مردم دست می‌دهد اشاره می‌کند و اینگونه می‌نویسد: «آدمی با دیدن این وقایع، اگر خونسرد بماند، دیگر انسان نیست. چون در قبال

سنگدلی و ستم بی‌احساس است.»^۱ این محتوای کارآمد را حتی زور و شمشیر و ممنوعیت نیز نتوانسته است تمام کند. بینندگان تعزیه علی‌رغم آنکه از سرانجام ماجرا آگاهی دارند اما باز به تماشای آن می‌نشینند و این خود مفهوم انتظار را می‌رساند، انتظار تا روزی که؛ بساط ظلم و جور در جهان برچیده شود و عدل و داد جایگزین آن گردد.

در بررسی تأثیر عزاداری و تعزیه‌خوانی در شکل‌گیری و جریان نهضت مشروطیت از نگاه مذهبی، آنچه که بیش از همه اهمیت دارد همین مفاهیم و اندیشه‌هاست که در ظاهر و باطن متون و ساختار تعزیه وجود دارد. بررسی نظر کارشناسان مختلف غنای مذهبی و دینی این هنر اسلامی را مشخص می‌کند.

جابر عنصری در این مورد می‌نویسد: «این هنر حال و آینده را به سهولت درهم می‌آمیزد. کل ایام را عاشورا و کل مکان را کربلا می‌شناسد تا مفاهیمی چون ستم، عدالت، نیکی و حق‌شناسی، عشق و وفاداری و شهادت را به مقطعی از زمان و مکان محدود نسازد و آن را هر چه بیشتر جهان شمول نماید.»^۲

علی بلوک باشی نیز یکی از ویژگی‌های تعزیه را زنده و پایا نگهداشتن وقایع مذهبی می‌داند او در این مورد اعتقاد دارد که: «تعزیه‌خوانان همچون خطیبان و روضه‌خوانان از فراز سکوی تکیه که نقش رسانه‌ای مانند منبر در مسجد دارد، تاریخ قدسی وقایع مذهبی و چگونگی مصایب اهل بیت مطهر پیامبر اسلام (ص) را با بیان و حرکت‌های نمایشی نقل و روایت می‌کنند. ... در تاریخ حیات اجتماعی مردم ایران وقایع بسیار فراوانی رویداده است که عامه‌ی مردم از آنها اطلاع، یا اطلاع درست و دقیقی ندارند. در حالی که همین مردم با وقایع مربوط به تاریخ کربلا به خوبی آشنا هستند و حتی از جزئیات آن نیز آگاهی دارند. این آگاهی تاریخی را مردم از روضه‌خوانان و تعزیه‌خوانان و نقالان مذهبی به دست آورده‌اند. از این رو، تعزیه‌خوانی نقش مهم و آشکاری در آگاه کردن مردم، به ویژه آنان که سواد خواندن و نوشتن ندارند، از تاریخ مذهبی و زنده و مستمر و پایدار نگهداشتن وقایع کربلا در ذهنیت عامه مردم داشته است.»^۳

هر چند که بلوکباشی تنها به کسب آگاهی تاریخی تعزیه - که البته همه گزارشات تاریخی در اشعار تعزیه مستند نیست - توسط توده‌ی مردم اشاره کرده است، اما به نظر می‌رسد که کسب این آگاهی‌ها چنانچه اشاره خواهد شد در ابعاد سیاسی و مذهبی نمود بیشتری داشته است. به عبارت

بهتر آنچه که مردم از تعزیه آموخته و می‌آموزند بیشتر مفاهیم و آموزه‌های اسلامی - شیعی است تا تاریخ و روز شمار وقایع مذهبی که در اشعار و ساختار تعزیه آمده است.

صادق همایونی نویسنده‌ی کتاب «تعزیه در ایران» نیز تعزیه را به عنوان مکتبی برای آموزش اصول و مبانی دینی و اخلاقی و پرورش معرفی می‌کند.^۴ او در ادامه می‌نویسد: «در تعزیه خوانی به نحوی ملموس و خاص و زنده تاریخ مذهب و اصول دینی مطرح می‌شود و مردم با سیره‌ی زندگی خانواده حضرت رسول (ص) و ائمه اطهار آشنا می‌شوند و چهره و نام مخالفین و معاندین نیز به همین نحو آشکار می‌شود.»^۵ او همچنین ذات تعزیه را مبارزه بر علیه ستم و بیداد می‌داند که در بستر زمان رها می‌شود تا مگر پیامی را برای آیندگان و نیز پویندگان راه حق در برداشته باشد.^۶

پیروی از سیره‌ی پیامبر (ص) و امامان معصوم در گزارش‌های ملک‌زاده از روزهای نهضت مشروطه آمده است؛ آفاری در کتاب «انقلاب مشروطه ایران» به نقل از ملک‌زاده در این مورد اینگونه می‌نویسد: «آنها تصمیم گرفتند؛ همان راهی را که پیغمبر اکرم (ص) در مقابل کفار مکه پیش گرفت اتخاذ کنند و تهران را ترک کرده راه مهاجرت در پیش گیرند.»^۷

شهیدی یکی از کارکردهای تعزیه را تقویت و استعلا‌ی بینش شهادت می‌داند و می‌نویسد: «تعزیه با روایت شهادت امام حسین (ع) و باز نمایاندن پایگاه والای این شهادت، بینش شیعیان را درباره‌ی پدیده‌ی شهادت استعلا می‌بخشید و روحیه‌ی شهادت‌طلبی و مرگ با افتخار را در آنان زنده و پایدار نگاه می‌داشت.»^۸ او همچنین معتقد است در فرهنگ شهادت، وارهیدگی از این جهان، حقیقت‌جویی، دلیری، ایثارگری و دادجویی ارزش و وابستگی به این جهان، حق‌کشی، جاه‌طلبی، خشونت، ستمگری و بی‌عدالتی ضد ارزش می‌باشد. او ادامه می‌دهد: «تعزیه در القای مجموعه‌ی این ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها به مردم و آموزش رفتار و خصایص سازگار با ارزش‌های والای شهادت و تعیین یک هویت فرهنگی مستعلی در رفتار و اخلاق جمعی مردم جامعه نقشی سخت مؤثر داشت.»^۹

در گزارش‌های مختلف که از نویسندگان داخلی و خارجی در دست می‌باشد، تأثیر این جنبه را در نهضت مشروطیت به وضوح می‌بینیم؛ در این مورد جان فوران اعتقاد دارد که: «توسل شیعه به شهادت و قیام، در برانگیختن مجاهدان به نبرد با قشون شاه و تشویق فدائیان به ترور چهره‌های محافظه‌کار مؤثر بود و این قبیل افراد مجاهد یا فدایی، مرگ را با شهامت می‌پذیرفتند.»^{۱۰} او تأثیر آموزه‌های شیعی را از گزارش سر سسیل اسپرینگ رایس وزیر مختار بریتانیا در اردیبهشت - خرداد

سال ۱۲۸۶ (ماه مه ۱۹۰۷) اینگونه بیان می‌کند: «حکام منفور ایالت‌ها یکی پس از دیگری اخراج می‌شوند... روحیه‌ی مقاومت در برابر ستم و حتی در برابر هر نوع اقتدار در سرتاسر کشور شیوع می‌یابد. احساس استقلال به گسترده‌ترین مفهوم کلمه، احساس ملیت و حق مقاومت در برابر ستم و اداره‌ی امور توسط خود مردم، به سرعت در میان ایرانیان شایع می‌شود. این احساسات در آذربایجان قوی‌تر است. در پایتخت نیز بسیار قوی است.»^{۱۱}

ژانت آفاری نیز در این مورد آورده است: «بست‌نشینان مسجد [جمعه] برای پیشبرد امر خود همچنان از مظاهر مذهبی گوناگونی بهره می‌جستند. بسیاری کفن پوشیدند و آمادگی خود را برای شهادت در راه آرمان ملت اعلام کردند.»^{۱۲} او در ادامه به گروه کوچکی از زنان تهران اشاره می‌کند که در حمایت از علما کفن پوشیده و در تظاهرات شرکت کردند و به شیوه‌ی سنتی بر سر و سینه‌ی خود کوفتند و سربازان را نفرین کردند و حتی آورده است که «یکی از زنان مقنعه‌ی خود را بر تکه چوبی آویخت و مقامات را مسخره کرد و گفت که با تبعید علما، از این به بعد عقد دختران مسلمان را باید مسیو نوز بلژیکی ببندد.»^{۱۳}

خاطرات عبدالله مستوفی در تأیید نقش مؤثر و سهم ویژه‌ی تعزیه در جنبه‌ی تربیت و برانگیختن احساسات مذهبی و احیای نهضت و فرهنگ عاشورا که حاوی مفاهیم اسلامی و انسانی فوق‌الذکر می‌باشد، نیز خواندنی است: «آیا این مردم بی‌سواد و عامیان که اسم خود را هم نمی‌توانستند بخوانند، این اخلاق نیک و این نکته سنجی‌ها و حریت فکر و اراده را از کجا آموخته بودند؟ مسلماً پای همین منبرها و در همین اجتماعات، زیرا روضه بهانه و اصل مقصود انتشار تربیت و معلومات اسلامی در توده مردم بود. گذشته از منبر و اعظها که نصف بیشتر اوقات روضه را اشغال می‌کرد، همان روضه خوان‌ها و ذاکرین هم مطالبی برای مردم می‌گفتند که مایه پرورش افکار و اخلاق آنها بوده و توده را عملاً تربیت و از همه بالاتر ایمان را در قلب آنها جایگزین و محکم می‌کرد.»^{۱۴} او همچنین معتقد است که تا این مجالس عزاداری و تعزیه وجود داشت، رکن اصلی فرهنگ عاشورا که همانا امر به معروف و نهی از منکر است زنده و در جامعه جاری بوده است: «مردم، خود آموزگار یکدیگر و خود حافظ اساس مسلمانی بودند. زیرا اصل‌های مسلم دینت و ایمان، از قبیل راستی و درستی و پاک چشمی و گذشت و حقگوئی و کمک به درماندگان را هر کس آموخته و زیر چاق داشت هر جا مخالفی می‌دید، نصیحت کردن مرتکب را جزو لوازم دین خود می‌دانست و همین اخلاق، حریت فکر

و عمل را در تمام طبقات ایجاد می‌کرد. اگر کسی می‌خواست به آدم بی‌زبان ناتوانی تعدی کند، سایرین مانع او می‌شدند. پس از حیث اخلاق هم، خود را اداره می‌کردند. و تا این مجالس رویه خود را از دست نداده بود، در به همین پاشنه می‌گشت.^{۱۵}

در هر حال چکیده‌ی آموزه‌های شیعی که در ساختار و متون تعزیه وجود دارد در کنار دیگر عوامل اسلامی در شکل‌گیری و استمرار نهضت مشروطیت نقش داشته است هر چند که در میانه راه نهضت از مسیر اسلامی خارج شد و سرانجام روشنی نیافت. اما چشم‌پوشی از این تأثیرات منطقی به نظر نمی‌رسد.

تأثیر تعزیه به عنوان رسانه‌ای اجتماعی

محتوای محرک تعزیه در کنار عظمتی که این نمایش مذهبی در دوره‌ی قاجار و بویژه در دوره ناصرالدین شاه به آن رسیده بود، زمینه مناسبی برای برقراری روابط اجتماعی فراهم آورده بود. روابطی که گروه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی را در کنار یکدیگر قرار می‌داد و برای رسیدن به هدفی مشترک که به اعتقاد بیضایی جلب ثواب^{۱۶} و از نظر چلکوفسکی فلاح و رستگاری^{۱۷} بوده است، پیوندی عمیق بین آنها برقرار می‌کرد.

عبدالله مستوفی در خاطرات خود، روابط اجتماعی شکل گرفته از برگزاری مراسم عزاداری و تعزیه را اینگونه توضیح می‌دهد: «جمع شدن عارف و عامی و اعیان و اشراف و متوسط و فقیر در یک مجلس و زیر یک چادر و برای یک مقصود، باعث خردار شدن طبقه توانا از حال ناتوان و بالنتیجه تراوش اعمال خیر از این طبقه و عمومیت دادن فرهنگ در طبقات پائین بود. در فاصله دو روزه- خوان، که قلیان و چای به مردم می‌دادند، هر کس با همسایه خود در اطراف بیانات روضه‌خوان و واعظ مذاکراتی می‌کرد و اگر مشکلی داشت، از عالم‌تر از خود که در آن مجلس زیاد و نزدیک به او بودند، سؤالاتی کرده و مشکل خود را حل می‌کرد و حول و حوش هم از این سؤال و جواب استفاده خود را می‌کردند. به واسطه همین مجالس بود که معارف اسلامی در عارف و عامی مردمان این کشور، عمومیت داشت و همه بیش و کم سعی می‌کردند، خود را متخلق به اخلاق اسلامی کنند.»^{۱۸}

استفاده از بستر مناسبی که این اجتماعات در اختیار علماء، روحانیت و واعظین به منظور آگاهی و بیداری مردم قرار می‌داد نیز از دید روایان نهضت مشروطیت پنهان نامانده است؛ ناظم‌الاسلام کرمانی در بیان خاطرات خود در جلسات انجمن مخفی به این نکته اشاره می‌کند که: «امروز باید مردم را بیدار کنیم که قبول ظلم نکنند و همچنین باید ظالم را آگاه کنیم که ظلم نکند. قرار شد این چند روزه‌ی ایام عاشورا

انجمن تعطیل باشد و جماعتی از اهل علم و هنر و معدودی از واعظین و اهل منبر قبول دعوت نموده و متقبل شده‌اند که در منابر و مجالس به بیداری قوم ساعی باشند.^{۱۹}

البته به نظر می‌رسد که تأثیر تعزیه از نظر ماندگاری در ذهن نسبت به مجالس روضه و خطابه بیشتر باشد چرا که رسانه‌ای دیداری و شنیداری است و به دلیل استفاده از تصویر، پایداری و زنده‌تر است. گوستاو لوبون در تأثیر نمایش و باز نمودن وقایع در ذهنیت توده‌ی مردم می‌نویسد: «توده‌ها فقط به توسط تصاویر فکر می‌کنند و به کمک تصاویر نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند. فقط تصاویر ایشان را می‌رمانند و یا وسوسه می‌کنند و تنها تصاویر انگیزه‌ی رفتار آنها هستند به همین دلیل که نمایش‌های تئاتری که تصویر را در واضح‌ترین شکل آن ارائه می‌دهند، بر توده‌ها همیشه تأثیر می‌گذارند.»^{۲۰}

فریدون آدمیت معتقد است: «در آغاز تکوین نهضت مشروطیت، فکر دموکراسی اجتماعی هنوز نفوذی پیدا نکرده بود. و رفته رفته با پیشرفت حرکت ملی در ایدئولوژی مشروطیت پدیدار گشت.»^{۲۱} اما مستوفی یکی دیگر از نتایج برگزاری مراسم تعزیه و عزاداری را ظهور دموکراسی اسلامی و برادری و برابری می‌داند و اینگونه می‌نویسد: «در همین مجالس بود که روح دموکراسی اسلامی، مورد بروز و ظهور پیدا می‌کرد. فلان مرد کاسب که طمطراق و غاشیه و اسب و نوکر فلان اعیان محل را دیده بود، در این مجالس می‌دید که پسر همین اعیان که صاحب مجلس است، با کمال ادب و با تبسمی که دلیل رضایت او از این عمل است، فنجان چای را در دست گرفته، دو زانوی ادب بر زمین می‌گذارد و به او تقدیم می‌دارد. همین عمل ساده، حس تعالی و برادری و برابری و یکرنگی را در طرفین ایجاد و بالنتیجه سبب پرورش روح و علو طبع طبقه پائین‌تر شده و روح دموکراسی را در قلب طرفین جایگیر می‌کرد.»^{۲۲}

آندره زیچ ویرث در بیان جنبه‌های نشانه‌شناختی تعزیه معتقد است که: «هدف اصلی و مهم تعزیه، تقویت و تحکیم وحدت میان مؤمنان روی صحنه و حسینیه است. این هدف در تعزیه شکل عرفانی به خود می‌گیرد و رکن اصلی تعزیه می‌شود.»^{۲۳} شهیدی نیز در این مورد نظر جالب توجهی دارد: «اصولاً هدف و کارکرد اجتماعی مهم دین و مناسک مذهبی نیز تقویت روحیه‌ی ستیزندگی و آماده کردن مؤمنان برای جهاد و شهادت است.»^{۲۴} بیضایی نیز از یک نوع همبستگی روحی بین همه‌ی طبقات در دهه‌ی اول محرم سخن به میان می‌آورد و می‌نویسد: «اگرچه اشراف غرفه‌های خاص و مجلل داشته‌اند، ولی در تکیه و بین تماشاگران تعزیه تنها موردی بوده است که مسئله‌ی طبقات مطرح نبوده؛ زبردست و

زیردست در کنار هم به تماشا می‌پرداخته‌اند و گذشته از اهل تسنن که آمدنشان خطرناک بود، سایر اقلیت‌های مذهبی آزادانه و حتی با شور و علاقه به تماشا می‌آمده‌اند.»^{۲۵}

حضور گردشگران و نمایندگان کشورهای مختلف نیز در این مراسم‌ها زمینه را برای تبادل افکار و برقراری ارتباطات فرهنگی و اجتماعی، فراهم می‌کرده است. یعنی همان اتفاقی که در روابط بازرگانی بین تجار کشورهای مختلف صورت می‌گرفته است. فرمانفرمائیان در بیان خاطرات میرزا علی خان امین‌الدوله می‌نویسد: «ایرانی با اینکه مدرسه و معارف ندارد، اما به واسطه‌ی عبور و مرور فرنگی‌ها، بیدار شده، حرف‌هایی به گوشش خورده، زندگی دیگران را دیده، تدریجاً زیر بار ظلم و تعدی نمی‌خواهد برود.»^{۲۶}

نکته دیگری که باید بدان توجه داشت اینست که اجتماعات عظیم تعزیه‌خوانی منحصر به پایتخت نبوده و در نقاط مختلف کشور نیز باشکوه خاصی برگزار می‌شده است. بهرام بیضایی در ذکر مکان‌های برگزاری تعزیه از قول گوینو اینگونه می‌نویسد: «تکیه‌های بزرگ هر یک تا حدود سه هزار نفر جا داشته است، و در اصفهان تکیه‌هایی بوده است که در آنها بین بیست تا سی هزار نفر تماشاگر به تماشا می‌نشسته‌اند.» او همچنین ضمن ستودن این تکیه‌ها، ۱۳ تکیه بزرگ در پایتخت را نام می‌برد و به تکیه‌ی دولت و عظمت آن و گنجایش بیست هزار نفری آن اشاره می‌کند.^{۲۷} حتی سفارتخانه‌های انگلستان و روسیه در ترتیب دادن مجلل‌ترین تکیه جهت مراسم سالانه‌ی محرم در تهران رقابت می‌کردند.^{۲۸} در آسیای مرکزی و قفقاز نیز طبق گزارش چلکوفسکی مراسم عزاداری و بازسازی صحنه‌ی نبرد کربلا بین مردم ترک قفقاز قبل از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه توسط گردشگران اروپایی ثبت شده است.^{۲۹}

مراسم تعزیه‌خوانی در اواخر دوره‌ی ناصرالدین شاه تنها برای عزاداری و گریه نبود و تعزیه‌های شادی آور نیز به این مجموعه اضافه شده بود. البته این تعزیه‌ها نیز برای خنده بر دشمنان اهل بیت بود و از هدف کلی تعزیه دور نبود. در هر صورت مراسم تعزیه به مناسبت‌های مختلف تقریباً در تمام طول سال برگزار می‌شده است. هر چند که شکوه و عظمت برگزاری تعزیه در آن دوره مربوط به ماه‌های محرم و صفر بوده است، اما تعزیه به طور کلی به مثابه یک رسانه‌ی اجتماعی پویا و تجمعی عظیم و وحدت‌بخش، بستری مناسب برای رشد اجتماعی فراهم کرده و نقش مؤثری در زمینه‌سازی نهضت مشروطیت داشته است.

تأثیر تعزیه به عنوان یک جریان محرک سیاسی

عزاداری و تعزیه در رثای قهرمان کربلا، در روند تشکیل و سیر تکاملی خود همواره از محرک-های سیاسی بهره‌مند شده است. ستاری در تحلیل سیاسی روند شکل‌گیری تعزیه می‌نویسد: «شیعه به سبب آنکه هر حکومت جز حکومت امامان و نواب امامان معصوم را غاصب می‌دانست، با واقعیت تاریخی درگیر شد و تاریخی آرمانی را که هنوز نبود ولی می‌بایست می‌بود، برحق دانست و این ناخوانی و ناهمزمانی که ریشه و خصلتی سیاسی و اجتماعی و نه تنها اخلاقی داشت و نبرد میان خیر و شر و نور و ظلمت، اسطوره‌ی زیر بنای آن است، بذر درام را در ذهن و ضمیر شیعیان افشاند که اندک اندک بالید و برداد و تعزیه شد.»^{۳۰} چلکوفسکی نیز در تعبیری زیبا «تکیه» را برای شیعیان به «سنگر» تشبیه می‌کند.^{۳۱} در واقع ذات تعزیه با مبارزه علیه ظلم و ستم عجین گشته و به عنوان یک ابزار مبارزاتی مورد استفاده قرار گرفته است.

تحلیل وضعیت سیاسی- اجتماعی مردم در دوره‌ی قاجار که توسط صادق همایونی انجام شده نشان می‌دهد که تعزیه چگونه می‌تواند علیه حاکمان ظلم و جور قد برافراشته و اعاده‌ی حق نماید. او می‌نویسد: «طبقه پایین اجتماع در زیر بار ستم قد خم کرده و هیچ راه‌گریزی ندارند... زورشان به کسی نمی‌رسد، نه صاحب زرنند و نه نیرویی وجود دارد که زندگی آنها را به طبقات برتر گره زند. از سوی سلاطین هر چه بخواهی به آنان ستم می‌شود. حکام آنها را تا سرحد امکان مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند. طبقه ارباب و فئودال و خان، شیرهی حیات آنها را زلو صفتانه می‌مکد. کسی را پروای آنان نیست. حتی شکوه‌ای از آنان شنیده نمی‌شود. محیط سرشار از جور و بلاست ولی بالاخره باید مفری بیابند تا حداقل بتوانند شکایتی بر لب آورند و این امر تنها در جوی مذهبی می‌تواند وجود داشته باشد. ناله‌ها و گریه‌ها و عقده‌های متراکم، در تعزیه مفری بزرگ برای بیان، تجلی و انعکاس می‌یابند. با این تعبیر، تعزیه را که بیانی شکوهمند از دردهای بیرونی و درونی جامعه است، می‌توان پرتوی از بیان نیاز و درد جامعه دانست. دردی که یکی و دوتا نیست. دردهایی که گلوی همه را می‌فشارد.»^{۳۲}

تطبیق جالبی که فلاح‌زاده از یک تعزیه نامه بنام «شیر افکن» (که موضوع آن نبرد پهلوانانه و جوانمردانه حضرت علی(ع) با اهریمن است)، با وضعیت سیاسی- اجتماعی آن دوره انجام داده است، صحت موارد فوق را تأیید می‌کند. او می‌نویسد: «این تعزیه، در تحلیل نهایی، حادثه‌ترین مسایل سیاسی آن روز، یعنی موضوع مبارزه میان درباریان فئودال-بورژوازی وابسته به غرب و توده‌های زحمتکش

میهن دوست است. این تعزیه تحت تأثیر فضای انقلابی دوران مشروطیت امکان طرح مسایل حاد و ضرور عصر خود را می‌یابد.^{۳۳} او شخصیت شیرافکن را با فتودال‌ها تطبیق داده و شخصیت حضرت علی(ع) را سمبل توده‌های زحمت‌کش معرفی می‌کند که سرانجام درباری فتودال، تسلیم شده و اسلام می‌آورد.

نکته‌ای که در اینجا باید به آن اشاره کنیم اینست که اگر تعزیه یک فضای مناسب برای بیان دردهای جامعه بوده پس دلیل توجه ویژه شاهان و دولتمردان قاجار به تعزیه و عزاداری و برگزاری با شکوه و ساخت تکیه‌های متعدد و عظمت و جلالی که به این هنر نمایشی می‌دادند چه بوده است؟ آیا آنها مار در آستین پرورش می‌دادند؟ در پاسخ به این سوال دو دلیل عمده وجود دارد؛ ۱- گسترش و رواج تعزیه در میان عامه‌ی مردم و دلبستگی شدید آنان به این نمایش آیینی و مذهبی، دست‌آویز مناسبی بود برای شاه و اعیان و اشراف، این گروه با نشان دادن علاقه به تعزیه‌خوانی و مشارکت در این نوع عزاداری‌ها می‌خواستند هم توجه، احترام و علاقه‌ی مردم را به خود معطوف کنند و هم مقام و موقعیت سیاسی خود را در جامعه تثبیت کنند. ۲- نشان دادن نیرو و قدرت شیعیان در برابر دولت عثمانی و به رخ کشیدن مظاهر هنری و فرهنگی خاص شیعه و حکومت ملی و مذهبی تهران در نظر و افکار خارجیان نیز از سیاست‌های دولتمردان قاجار بوده است.

بدین ترتیب تعزیه و عزاداری می‌تواند به عنوان یک محرک سیاسی و ابزار مبارزاتی، نقش ویژه‌ای در نهضت‌ها و انقلاب‌های اسلامی داشته باشد. گزارش‌های موجود از جریان نهضت مشروطیت این نکته را تأیید می‌کند.

جان فوران اعتقاد دارد که شواهد موجود در مورد آگاهی و فرهنگ سیاسی دست‌اندرکاران نهضت مشروطیت، تأییدی بر نظریه‌ی اوست که؛ نهضت مشروطه خاستگاه‌های اجتماعی مردمی و توده‌ای داشته است.

به نظر می‌رسد که بخش عمده‌ی این آگاهی‌های سیاسی در نتیجه برگزاری همین مجالس به دست آمده است. گزارشی که او از براون که در جریان بست‌نشینی مشروطه‌خواهان در سفارت بریتانیا شاهد عینی بوده است نقل می‌کند، تأییدی بر این ادعاست: «شاید صحنه در شب‌ها دیدنی‌تر بود. تقریباً در هر چادر یک روضه‌خوان بود. به واقع تابلو درخور تحسینی به وجود می‌آمد. در این چادرها

شنوندگان دایره‌وار می‌نشستند و روضه‌خوان در یک طرف قرار می‌گرفت و ذکر مصیبت حسن و حسین را می‌گفت.^{۳۴}

انتخاب ماه محرم برای نخستین سلسله اعتصاب‌های زمینه‌ساز نهضت را نیز می‌توان از سیاست‌های خاص مبارزاتی بر شمرد. آفاری در این مورد می‌نویسد: «نخستین سلسله اعتصاب‌ها به طور استراتژیکی برای ماه محرم (اسفند ۱۲۸۳، مارس ۱۹۰۵) در نظر گرفته شده بود، یعنی زمانی که دسته‌های مذهبی در خیابان‌ها سرازیر می‌شدند.»^{۳۵} او همچنین سیاسی بودن مراسم‌های مذهبی در جریان انقلاب را تأیید می‌کند و می‌نویسد: «در این بوته‌ی انقلاب، مراسم مذهبی معنای سیاسی جدیدی می‌یافت. مصیبت کربلا، مبارزه ظلم و عدالت تعبیر می‌شد و به مردم گوشزد می‌شد که مسئولیت تاریخی‌شان را در دفاع از علما و رهبران ملی که سخنگوی مردم بودند فراموش نکنند.»^{۳۶}

از طرف دیگر تأثیر این هنر نمایشی و دیگر مراسم مذهبی همسو را در بیانات، اعلامیه‌ها، نامه‌ها و مراودات سیاسی-اجتماعی مختلف می‌توان مشاهده کرد. تشبیه افراد به یزید و شمر و همچنین تشبیه مکان‌ها به صحرای کربلا و... مؤید این مطلب است. در گزارشی از اوضاع نابسامان تبریز در گبرو دار نهضت، اینگونه آمده است که: «زمانی که تبریز به تسخیر قشون سلطنتی درآمد، گروهی از زنان شهر نامه‌ای به عین الدوله، فرمانده قشون سلطنتی، نوشتند و او را متهم کردند به اینکه همراه با محمدعلی شاه و به شیوه یزید در صحرای کربلا مانع رسیدن آب و غذا به مردم شهر می‌شود تا مقاومت آنها را در هم بشکنند.»^{۳۷} ناظم‌الاسلام کرمانی نیز می‌نویسد: «در نظر مردم عوام محقق بود که قاجاریه از اولاد بنی‌امیه می‌باشند و این عقیده به حدی در مردم رسوخ دارد که می‌گویند خنجری که با آن سر حضرت سیدالشهداء (ع) را بریده‌اند به ارث رسیده است به خانواده علاءالدوله و الیوم در خانه‌ی علاءالدوله است.»^{۳۸} در بخش‌هایی از اعلامیه‌ای که به عنوان «انتباه نامه‌ی اجتماعیه‌ی عامیون ایران» از قفقاز به تهران رسیده است، اینگونه آمده است: «... ای اهالی ایران، ای فقرای کاسب ایران، جمع شوید. اتفاق نمایید... خودتان را از دست این حاکمان خود مختار ظالم جبار لامذهب بی‌دین خلاص نمایید. بر ریشه‌ی این بدتر از مرتدان کربلای معلی تیشه بزنید... ما اهالی ایران که در قفقاز ساکن هستیم از هر جهت حاضر شدیم تا در موقع، خود را به راه دولت و ملت فدا بکنیم...»^{۳۹}

بدین ترتیب، تعزیه؛ هم به عنوان ابزار مبارزاتی علیه دشمن خارجی به کار می‌رود، هم تدبیری برای کسب مشروعیت حکومت و هم زبان گویای دردهای یک جامعه‌ی اسیر استبداد، و اگر نهضت از این زبان بهتر بهره می‌برد شاید سرنوشت دیگری برای آن رقم می‌خورد.

نتیجه گیری

ضرورت تاریخی پیدایی تعزیه، به این علت بود که هم خود نوعی ابزار مبارزه باشد و هم وسیله‌ای برای تبلیغ اهداف واقعه‌ای تاریخی که در روز عاشورا و برای خاندان مطهر حضرت محمد(ص) رقم خورد. نمایشی که فرهنگ غنی اسلام و آموزه‌های دینی و انسانی را در تار و پود هنر و تمدن ایرانی تنیده و آن اهداف را به شکل هنری متعالی بنام تعزیه متبلور نموده است. با بررسی ساختار و متون تعزیه، به آن اهداف می‌رسیم. این اهداف در دوره‌ی قاجار که دوران طلایی تعزیه نامیده می‌شود، بر زندگی مردم و روابط اجتماعی آنها تأثیر داشته و از نظر مذهبی موجب تقویت ایمان و اعتقاد و آشنایی با سیره ائمه اطهار، و از نظر اجتماعی، برگزاری این اجتماعات عظیم باعث وحدت، همدلی، بیداری و آگاهی و منجر به احساس برابری و برادری و به لحاظ سیاسی، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی و حق-جویی را طلب می‌نماید. بنابراین مجموعه‌ای از این اهداف می‌تواند در جامعه‌ای که ظلم و ستم و استبداد آن را فرا گرفته است، ظرفیت مناسبی برای بروز یک نهضت را فراهم نماید و نقش موثری در آن نهضت داشته باشد.

امروزه که شاهد هجوم همه جانبه فرهنگ‌ها و فرقه‌های انحرافی در جامعه اسلامی میهن عزیزمان هستیم. تعزیه می‌تواند به عنوان یک هنر اسلامی- ایرانی راهگشای بسیاری از معضلات و مشکلات فرهنگی- اجتماعی جامعه باشد. تعزیه علاوه بر اینکه از نظر محتوی متعالی است از نظر کارکرد نیز پتانسیل مناسبی دارد. برگزاری مجالس تعزیه به لحاظ روانی، باعث آرامش انسان می‌شود. به لحاظ اجتماعی، باعث نوعی همکاری و همیاری در بین مردم می‌شود. به لحاظ فرهنگی، اگر سر و سامان بیابد می‌تواند دانشگاه تربیتی و پرورشی و هنری باشد. از لحاظ اقتصادی نیز از آنجا که خود جوش و مردمی برگزار می‌شود. مثل مرکز فرهنگی خصوصی است که اشتغال زاست و بار مالی برای دولت ندارد.

بنابراین به منظور رشد و تعالی این هنر متعالی لازم است که به طور علمی به آن پرداخته شود؛ برگزاری همایش‌ها و سمینارهای بین‌المللی، انتخاب آن به عنوان رشته‌ی تحصیلی دانشگاهی در مقاطع بالا، کمک به ساخت تکایا، حمایت از برگزارکنندگان و برگزاری دوره‌های آموزشی در فرهنگ‌سراها و دیگر مراکز فرهنگی از جمله فعالیت‌هایی است که به توسعه‌ی این هنر نمایشی کمک می‌کند. یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب از هر زبان که می‌شنوم نامکرر است. و تعزیه تکرار مداوم داستان عشق است.

یادداشت‌ها:

- ۱- گوینو، کنت دو، شکوه تعزیه در ایران، ترجمه فلورا اولی پور، هنر، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۷۴ و بهار ۱۳۷۵، ص ۳۵۵.
- ۲- عناصری، جابر، متدلوژی تعزیه، نمایش (دوره قدیم)، شماره ۱، مهر ۱۳۶۳، ص ۱۱.
- ۳- بلوکباشی، علی، تعزیه خوانی حدیث قدسی مصایب در نمایش آیینی، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۳، ص ۶۶.
- ۴- همایونی، صادق، تعزیه در ایران، شیراز: نشر نوید، ۱۳۸۰، ص ۱۹۵ و ۱۹۶.
- ۵- همان.
- ۶- همان.
- ۷- آفاری، ژانت، انقلاب مشروطه‌ی ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر بیستون، ۱۳۸۵، ص ۸۲.
- ۸- شهیدی، عنایت الله، پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی (از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران)، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۴۴.
- ۹- همان.
- ۱۰- فوران، جان، مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)، احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۹۲، ص ۲۹۱.
- ۱۱- همان.
- ۱۲- آفاری، انقلاب مشروطه‌ی ایران، ص ۸۲.
- ۱۳- همان.
- ۱۴- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۱، جلد اول، ص ۳۱۵.
- ۱۵- همان.
- ۱۶- بیضایی، بهرام، نمایش در ایران، تهران: انتشارات روشنگران، ۱۳۹۲، ص ۱۴۳.
- ۱۷- چلکووسکی، پیتر، تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ترجمه داوود حاتمی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۱۸.
- ۱۸- مستوفی، شرح زندگانی من، ص ۳۱۵.
- ۱۹- کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: سپهر، ۱۳۶۳، ص ۱۸۶.
- ۲۰- لوبون، گوستاو، روان شناسی توده‌ها، ترجمه کیومرث خواجه‌ی‌ها، تهران: انتشارات روشنگران، ۱۳۶۹، ص ۸۸.
- ۲۱- آدمیت، فریدون، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۴، ص ۵.
- ۲۲- مستوفی، شرح زندگانی من، ص ۳۱۵.
- ۲۳- چلکوفسکی، تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ص ۵۸.

- ۲۴- شهیدی، پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی (از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران)، ص ۴۵.
- ۲۵- بیضایی، نمایش در ایران، ص ۱۲۷.
- ۲۶- فرمانفرمائی‌ان، حافظ، خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین الدوله، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۱، ص ۲۷۰.
- ۲۷- بیضایی، نمایش در ایران، ص ۱۲۳.
- ۲۸- چلکوفسکی، تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ص ۱۳.
- ۲۹- عناصری، جابر، شبیه خوانی گنجینه نمایش‌های آیینی و سنتی، تهران: انتشارات رامین، ۱۳۷۲، ص ۱۱۶.
- ۳۰- ستاری، جلال، زمینه‌ی اجتماعی تعزیه و تئاتر در ایران، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۷، ص ۹۱.
- ۳۱- چلکوفسکی، تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ص ۱۴.
- ۳۲- همایونی، تعزیه در ایران، ص ۴۷.
- ۳۳- فلاح‌زاده، مجید، تاریخ اجتماعی- سیاسی تاتر در ایران، تهران: پژوهاک کیوان، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، ۱۳۸۴، ص ۱۸۳.
- ۳۴- مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)، ص ۲۹۱.
- ۳۵- آفاری، انقلاب مشروطه‌ی ایران، ص ۷۸.
- ۳۶- همان، ص ۸۴.
- ۳۷- همان، ص ۲۵۷.
- ۳۸- کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۴۱۵.
- ۳۹- آدمیت، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، ص ۲۶.